

آزادی بیان در دین اسلام با محوریت آیه الشریفة: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱

حکمت حکیمی فر*

چکیده

آزادی عقیده و آزادی بیان از مباحث مهمی است که در بحث‌های مربوط به آزادی بیان، جایگاه برجسته‌ای دارد. بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان درباره اهمیت آزادی مطلق انسان در بیان و انتقال عقاید خود مطالب فراوانی مطرح کرده‌اند. جان استوارت میل در رساله‌ی مشهور خود «درباره آزادی» می‌نویسد: «...منطقه‌ی حیاتی برای آزادی بشری به درجه‌ی اول شامل قلمرو هوشیار ضمیر انسان است. این است که وجدان انسان به معنای جامع‌تر باید آزاد باشد. آزادی افکار و احساسات، به خصوص در زمینه‌های نظری، علمی، اخلاقی یا دینی، ضروری است. آزادی بیان و انتشار عقاید در ابتدا ممکن است به نظر مبادله‌ای بنا بر اصل دیگری بیاید، اما بیان و انتشار اندیشه به همان اندازه مهم است که خود اندیشه و به حدی که بر آن بناست موضوع را به سر می‌برد که آزادی اندیشه انسان را در عمل نمی‌شود ان را از بحث اندیشه جدا می‌کند.

واژگان کلیدی: آزادی، بیان، دین اسلام، قرآن

۱. سوره زمر: آیه ۱۸.

* دانشجوی کارشناسی ارشد.

مقدمه

آزادی بیان یکی از ارزش‌های مهم در جوامع انسانی است که در طول تاریخ همواره مورد بحث و توجه اندیشمندان، متفکران و مکاتب گوناگون بوده است. در این میان، دین اسلام نیز به‌عنوان مکتبی جامع و الهی، اصول و چارچوب‌های مشخصی را برای آزادی بیان ترسیم کرده است. آیه شریفه: **(الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ)**^۱ از جمله آیاتی است که به حق آزادی بیان و نقد سخنان مختلف اشاره دارد. این مقاله به بررسی مفهوم آزادی بیان در اسلام با محوریت این آیه شریفه می‌پردازد.

۳۶

مفهوم آزادی بیان در اسلام

اسلام آزادی بیان را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی انسان‌ها به رسمیت می‌شناسد، اما این آزادی را در چارچوب اخلاق، عدالت و حقیقت قرار می‌دهد. قرآن کریم بارها بر تدبّر، تفکر و بررسی سخنان مختلف تأکید کرده و پیروان خود را به انتخاب بهترین گفتارها ترغیب نموده است.

در دنیای معاصر، کلمه «آزادی» یکی از پرآوازه‌ترین و جنجالی‌ترین مفاهیمی است که به گوش انسان‌ها رسیده است. این واژه در عین شیرینی، پیچیدگی‌های زیادی دارد و همواره با بحث‌هایی نسبت به مفاهیم مشابه خود مانند عدالت، مساوات و حقوق بشر همراه بوده است. بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان درباره مفهوم و تعاریف مختلف آن سخن گفته‌اند. به گفته آیزایا برلین، «نویسندگان تاریخ عقاید بیش از دو‌یست معنی گوناگون برای این واژه ثبت کرده‌اند». آزادی عقیده و بیان از موضوعات بنیادینی است که همواره در مباحث مرتبط با حقوق بشر و آزادی‌های فردی مورد توجه قرار گرفته است. این مفاهیم نه تنها جایگاهی برجسته در اندیشه‌های فلسفی و سیاسی دارند، بلکه همواره محل بحث و چالش میان اندیشمندان بوده‌اند.

۱. سوره زمر: آیه ۱۸.

آزادی عقیده، به‌ویژه در حوزه‌های نظری و مذهبی، از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا مستقیماً با وجدان و هویت فکری انسان در ارتباط است.

جان استوارت میل در اثر مشهور خود درباره آزادی تأکید می‌کند که «حوزه مناسب آزادی بشر، قبل از هر چیز، شامل قلمرو آگاهی و وجدان اوست. در این حوزه، افراد باید به‌طور کامل در بیان افکار، باورها و احساسات خود آزاد باشند، خواه این باورها در زمینه‌های علمی، اخلاقی، یا مذهبی باشند.» از دیدگاه او، آزادی بیان نیز به همان اندازه حائز اهمیت است، زیرا اندیشه‌ای که بیان نشود، عملاً بی‌اثر خواهد بود. هرچند که بیان عقاید ممکن است بر جامعه تأثیر بگذارد، اما آزادی در انتشار افکار نباید از آزادی در اندیشیدن جدا شود.

در سطح بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر به روشنی آزادی عقیده و بیان را به‌عنوان حقوق اساسی بشر معرفی کرده است. ماده ۱۹ این اعلامیه تصریح می‌کند که «هر فردی حق دارد بدون هراس از مجازات یا محدودیت، عقاید خود را داشته باشد و آزادانه به جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بپردازد.» هم‌چنین، ماده ۱۸ این اعلامیه بر حق افراد در انتخاب، تغییر، و بیان عقاید مذهبی خود تأکید دارد. مطابق این اصل، هیچ فرد یا نهادی حق ندارد کسی را به پذیرش یا ترک یک عقیده مذهبی مجبور کند.

با توجه به چنین نگرشی در اسناد بین‌المللی، این پرسش مطرح می‌شود که دیدگاه اسلام در زمینه آزادی عقیده و بیان چیست؟ آیا اسلام انسان را در پذیرش یا تغییر عقیده کاملاً آزاد می‌داند؟ و اگر چنین است، حدود و چارچوب‌های آن چگونه تعریف می‌شود؟ برای بررسی این مسئله، تحلیل آیات قرآنی و آموزه‌های اسلامی در این زمینه ضروری خواهد بود.

در این زمینه، نگرش اسلام نیز قابل توجه است. اسلام به آزادی عقیده دینی به‌عنوان یک حق انسانی ارزش قائل است و به انسان اجازه می‌دهد که هر نوع عقیده مذهبی را برای خود انتخاب کند. در قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام ﷺ، دینی بر این مبنا در مورد آزادی بیان و عقیده وجود دارد که بر اساس آن هیچ فردی نباید به‌خاطر داشتن عقیده خاصی تحت فشار یا



اذیت قرار گیرد. به‌طور ویژه، قرآن بر حق آزادی عقیده تأکید کرده است و می‌فرماید: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)^۱ که به معنای «در دین اجباری نیست» است.

بر این اساس، در یک حکومت اسلامی، هیچ فردی نباید به دلیل تغییر عقیده یا انتخاب یک مذهب خاص تحت فشار قرار گیرد. همچنین، سرکوب عقاید مذهبی در یک جامعه اسلامی امری ناپذیرفتنی است و آزادی بیان باید در چارچوب اصول اخلاقی و تعالیم دینی رعایت شود. این موضوعات، به‌ویژه در ارتباط با آزادی عقیده و بیان، جایگاه مهمی در تعالیم اسلامی دارند و در کنار آن‌ها، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای بررسی دقیق‌تر این مسئله، تحلیل آیات قرآن، احادیث و سیره پیامبر اسلام ضروری خواهد بود.^۲

اهمیت و ضرورت آزادی بیان

بی‌تردید، آزادی یکی از ارزشمندترین نعمت‌های زندگی و سرمایه‌ای گرانبها برای سعادت مادی و معنوی انسان است. تمایل به آزادی و رهایی در سرشت بشر نهفته و از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی او به شمار می‌رود.

در اندیشه اسلامی، کرامت انسانی که در آیات متعدد قرآن و روایات گوناگون مورد تأکید قرار گرفته، مفهومی ظریف و درعین‌حال گسترده دارد. این مفهوم، تمامی ارزش‌های والای انسانی، از جمله آزادی را در بر می‌گیرد و به‌عنوان اصلی اساسی، جایگاه و منزلت انسان را تبیین می‌کند. بر این اساس، آزادی نه‌تنها یکی از حقوق مسلم بشر است، بلکه بخشی از هویت و ماهیت او محسوب می‌شود.

آفریدگار هستی، با وجود سلطه و سیطره‌ای که بر تمامی موجودات دارد، انسان را در چارچوب اختیار و اراده‌ای که به او بخشیده، مقید نساخته است. او برخلاف سایر مخلوقات، که اعمالشان تابع غرایز و نیروهای طبیعی است، انسان را از طریق امر، نهی و ارشاد به عواقب کارهایش راهنمایی کرده و سرنوشت او را به دست خود او سپرده است.

۱. سوره بقره: آیه ۲۵۶.

۲. مهرپور، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان.

آزادی بیان در دین اسلام با محوریت آیه الشریفه: «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»

در مکتب اسلام، یکی از عالی‌ترین اهداف انبیا، آگاه ساختن انسان‌ها و رهایی بخشیدن آنان از قید و بندهای گوناگون و از اسارت در برابر هم‌نوعان خویش است.

(وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) ^۱

رسیدن به آزادی و رهایی از انواع بندگی‌های آشکار و پنهان، از مهم‌ترین اهداف هر مسلمانی است. او باید همواره در مسیر حفظ این آزادی گام بردارد تا مبادا لحظه‌ای در یکتاپرستی و توحید دچار تزلزل شود و به بندگی غیرخدا تن دهد، چرا که در این صورت، گوهر گران‌بهای آزادی را به آسانی از کف خواهد داد.

با چنین نگرشی که اسلام نسبت به منزلت و کرامت انسانی دارد، موضع آن درباره آزادی بیان و اظهار عقیده، که از مهم‌ترین جلوه‌های آزادی بشری محسوب می‌شود، به‌وضوح آشکار می‌گردد. اسلام این حق را از حقوق مسلم انسانی می‌داند و آن را به انسان، صرفاً به دلیل انسان‌بودنش، اعطا کرده است.

در همین راستا، بیان و قلم که از مظاهر این نوع آزادی هستند، جایگاهی والا در تعالیم اسلامی دارند. خداوند متعال، نعمت بیان را در کنار نعمت خلقت انسان برشمرده و در شأن قلم و آنچه از آن تراوش می‌کند، سوگند یاد کرده است.

امام صادق علیه السلام محیطی را که در آن آزادی بیان وجود داشته باشد، جلوه‌ای از یک زندگی خوب و انسانی می‌داند. اسماعیل بصیر نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا می‌توانید در مکانی گرد هم آید، با یکدیگر سخن بگویید، عقاید خود را آزادانه بیان کنید، از هر کس که بخواهید انتقاد کرده و به هر که مایل باشید محبت و دوستی خود را ابراز نمایید؟ پاسخ دادم: بله.

ایشان فرمودند: آیا زندگی و لذتی فراتر از این وجود دارد؟^۲

۱. سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

۲. روضه کافی، ج ۸، ص ۲۲۹: «تعملون فی مکان فتحثون وتقولون ماشئتم وتبرؤون ممن شئتم وتولون من شئتم؟ قلت نعم. قال وهل العیش إلا هکذا»



پیشرفت اندیشه‌ها و بهره‌مندی از دستاوردهای فکری، در گرو آزادی بیان و تبادل آرا است. محیطی که در آن نظرات آزادانه مطرح شوند، زمینه‌ساز خلاقیت و نوآوری خواهد بود. آزادی گفتار نه تنها موجب تقویت وحدت و انسجام اجتماعی می‌شود، بلکه با کاهش کینه‌ها و دشمنی‌ها، نقاط ضعف و کاستی‌های پنهان جامعه را نمایان کرده و از پیدایش استبداد، خفقان و ناآرامی‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند.

در مقابل، سرکوب افکار و عقاید، به رکود فکری و از بین رفتن قدرت ابتکار می‌انجامد. در چنین شرایطی، افراد به صورت کلیشه‌ای و یکنواخت پرورش می‌یابند، استعدادها مجال شکوفایی پیدا نمی‌کنند و پویایی و تحول در جامعه کاهش می‌یابد. این وضعیت، بستر شکل‌گیری نفاق، اختلاف، پنهان‌کاری و سرپیچی را فراهم کرده و حتی زمینه‌ساز انحرافات و بدعت‌ها می‌شود. افزون بر این، جنبه‌های دیگری نیز در ارتباط با آزادی بیان مطرح است که اهمیت و ضرورت آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۱- در طول تاریخ، حاکمان ظالم از دین به طور نادرست استفاده کرده‌اند و آن را به ابزاری برای پیشبرد مقاصد شوم خود تبدیل کرده‌اند. در تاریخ مسیحیت، رهبران کلیسا به نام دفاع از دین، بسیاری از زبان‌ها را بریدند و قلم‌ها را شکستند. در تاریخ اسلام نیز، با وجود تمام توصیه‌ها و سیره روشنی که پیشوایان صدر اسلام در مورد آزادی بیان ارائه داده‌اند، در دوران تسلط بنی‌امیه و بنی‌عباس از دین سوء استفاده‌های فراوانی صورت گرفت و به نام دین، بسیاری از اندیشمندان و بزرگان دین سرکوب شدند. این روند پلید در دوران استبداد و خفقان، به‌ویژه در زمان معاویه، پایه‌گذاری شد. در تحلیل تاریخ اسلام، فصلی به نام «پایان آزادی ابراز عقیده» وجود دارد که معاویه را به‌عنوان آغازگر این جریان می‌شناسد. در این زمینه، مواردی چون برخورد معاویه با حجر بن عدی و یارانش، رفتار مروان بن حکم با سود بن مخرمه، تهدید حجاج به قتل عبدالله بن عمر به دلیل اعتراضش به طولانی شدن خطبه نماز جمعه، اعتراض عقبه بن ولید به طولانی بودن خطبه و قتل او به‌خاطر این اعتراض، و تهدید عبدالملک مروان به مردم مدینه به دلیل سفارش او به تقوا، نمونه‌هایی از این سرکوب‌ها در تاریخ اسلام هستند.

۲- در مقابل، همواره استعمارگران از دموکراسی و آزادی عقیده و بیان سوء استفاده‌های بسیاری کرده‌اند. به نام آزادی بیان و عقیده شدیدترین ضربه‌ها بر آزادی وارد آورده‌اند و در لوای آن، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم و اسلامی، به ایجاد تفرقه و مسلک‌سازی پرداخته‌اند و ارزش‌های والای دینی و انسانی را به بازی گرفته‌اند. جدیدترین ترفند دشمنان آزادی را هم اینک در دفاع همه جانبه آنان از سلمان رشدی، مشاهده می‌کنیم که در لوای آزادی بیان و عقیده، به مقدسات میلیون‌ها انسان توهین روا می‌دارند و این در حالی است که به اسم دفاع از قانون، مانع آزادی‌های مشروع مسلمانان در انجام فرایض در بسیاری از سرزمین‌های مدعی دموکراسی، می‌شوند.

۳- اکثر صاحب‌نظران اسلامی اصل آزادی بیان را قبول دارند ولی در ابعاد آن دچار اختلاف شده‌اند.

بنابراین، ابعاد گوناگون موضوع، می‌بایست مورد دقت قرار بگیرد. از جمله، آیا آزادی حقی است مربوط به همه انسان‌ها و یا ویژه گروهی خاص؟

نکته دیگر، قلمرو این آزادی است که آیا تنها عرصه سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود و یا مسائل مربوط به عقیده و اندیشه را نیز در برمی‌گیرد؟

باید روشن شود که آیا در تمامی مسائل اسلامی، اعم از اصول و فروع، حق تحقیق و بررسی وجود دارد یا اینکه این حق تنها به مسائل اجتماعی و سیاسی محدود می‌شود و مسلمانان از اظهار نظر در مسائل اعتقادی و اصول دین محروم هستند؟ نکته دیگر این است که حدود آزادی باید بر اساس متون دینی معتبر تعیین شود؛ چرا که در غیر این صورت، اصل وجود محدودیت برای آزادی، از جمله آزادی بیان، امری عقلایی است که مورد پذیرش همگان قرار دارد.

در تمامی این ابعاد، اختلاف‌نظرها تا حد افراط و تفریط وجود دارد. بنابراین، ارائه نظر مبتنی بر منابع معتبر اسلامی و با توجه به ابعاد مختلف، امری ضروری است که در این نوشتار تلاش داریم به اندازه ممکن به آن پرداخته و روشن‌سازی کنیم.

آزادی بیان در قرآن

الف) آزادی بیان برای مسلمانان

پرسش اصلی این است که آیا اسلام به پیروان خود حق آزادی اظهار عقیده را در تمامی حوزه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی اعطا کرده است یا خیر؟ در متون دینی، وظایف و تکالیفی برای مسلمانان تعیین شده که انجام هر یک از آنها نیازمند وجود آزادی بیان است. بدون در نظر گرفتن آزادی بیان، به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، اجرای این تکالیف دشوار یا حتی ناممکن خواهد بود. از جمله این وظایف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴۲

۱- امر به معروف و نهی از منکر

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بسیار برجسته است و بر کسی پوشیده نیست. آیات متعدد قرآن و احادیث گوناگون از ائمه معصومین علیهم‌السلام، عظمت و اهمیت این فریضه بزرگ دینی را به‌خوبی نمایان می‌سازد. اسلام بر اساس این دستور، مسلمانان را موظف کرده است که با شناسایی «معروف» و «منکر»، در راستای گسترش معروف و زدودن منکر از جامعه، از هر وسیله ممکن استفاده کنند. این امر موجب جلوگیری از فساد مسلمانان و انحراف جامعه و نظام اسلامی خواهد شد و سلامت آن را در برابر انحرافات داخلی و خارجی تضمین می‌کند. انجام این وظیفه در مراحل مختلفی انجام می‌شود که زبان و قلم (بیان) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن شناخته می‌شود. منکر را، به دست و زبان و دل انکار می‌کنند، اینان تمام خصال نیک را در خویش جمع نموده‌اند.^۱

بنابراین، وجود چنین دستور مهمی در پیکره دین مبتنی بر آن است که اسلام آزادی بیان و ابراز عقیده را، به‌عنوان اصل مسلم، پذیرفته باشد و به پیروان خود اجازه ابراز عقیده در برابر انحرافات فردی و اجتماعی داده باشد، تا این که زمینه مساعد برای اجرای این واجب فراهم

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶.

گردد و گرنه این همه تأکید در مورد امر به معروف و نهی از منکر بی معنا و به دور از واقعیت خارجی خواهد بود.

۲- آزادی بیان برای غیر مسلمان

در راستای حفظ آزادی بیان و عقیده برای غیرمسلمانان، نصوص دینی وظایف و دستورهای مهمی را به مسلمانان ارائه داده‌اند که همگی ناشی از پابندی اسلام به اعطای این حق به غیرمسلمانان است. از جمله این دستورات:

۱. جدال احسن: جدال احسن به معنای مجادله نیکو و جستجوی مشترک برای کشف حقیقت است، که قرآن کریم در آیات متعدد به آن تشویق کرده و آن را شیوه‌ای مناسب برای برخورد با مخالفان و منکران رسالت پیامبر ﷺ می‌داند. از جمله آیات مربوطه: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)؛^۱ «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به طریقی که نیکوتر است مناظره کن».

(وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)؛^۲ «با اهل کتاب، جز به روشی که نیکوتر است مجادله نکنید».

تعبیر به «احسن» تعبیر جامعی است که تمام روش‌های صحیح و مناسب مناظره و مباحثه را شامل می‌شود، چه در الفاظ و محتوای سخن و چه در آهنگ گفتار و حرکات دیگر. بدون شک، این ترغیب و تشویق در صورتی ارزشمند و با معناست که شریعت مقدس اسلام، به طرف مقابل فرصت ابراز عقیده و نظر مخالف را داده و او را در ارائه نظر و اندیشه خویش آزاد گذاشته باشد و گرنه در صورت نبود میدان برای بیان و اظهار عقیده به مخالفان، دستور به جدال احسن، بی معنا خواهد بود.

۲. گزینش بهترین: هر اندیشه‌ای، به مقدار سهمی که از واقع‌نمایی داشته باشد، مورد احترام اسلام است. از این رو، قرآن کریم مسلمانان را به انتخاب بهترین اندیشه و سخن دعوت

۱. سوره نحل: آیه ۱۲۵.

۲. سوره عنکبوت: آیه ۴۶.



می‌کند؛ زیرا انسان بر اساس فطرت، حق و رشد را طالب است و به هر سخنی که گوش می‌دهد به آن امید گوش می‌دهد که در آن حقی بیابد.

(... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) ^۱

«بندگان مرا بشارت ده، آنهایی که به سخنان گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را

برمی‌گزینند.»

طبق این آیه شریفه، خداوند بندگان راستین خود را کسانی می‌داند که به سخنانی که گفته می‌شود، بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر، گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آنها را برمی‌گزینند و هیچ‌گونه تعصب و لجاجتی در کار آنان نیست و هیچ‌گونه محدودیتی در فکر و اندیشه آنان وجود ندارد. آنان جویای حقتند و تشنه حقیقت، هر جا آن را بیابند از آن استقبال می‌کنند.

قرآن کریم، شخص پیامبر اسلام را نمونه عالی سعه صدر و تحمل آرای مخالف می‌شمرد به گونه‌ای که از جانب برخی نادانان مورد سرزنش قرار می‌گیرد و به حضرتش می‌گویند: «هوَأَنَّ» او گوش است.

قرآن در پاسخ اینان می‌فرماید: (قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لِّكُمْ) ^۲؛ «نیکو گوش‌ی برای شماست.»

۳. برهان طلبی: قرآن مجید، افزون بر آن که پیروان خود را به تبعیت از دلیل و برهان فراخوانده است، همواره از مخالفان و معارضان خود نیز، دلیل و برهان طلب می‌کند. به‌عنوان نمونه در مقام احتجاج با مشرکان می‌فرماید:

آیا علاوه بر خداوند خدایی وجود دارد؟ اگر راست می‌گویید دلیل و برهان خویش

رایبایورید. ^۳

در مقام تخطئه پندارهای غلط اهل کتاب، همین معنا را یادآور شده و می‌فرماید:

۱. سوره زمر: آیت ۱۷-۱۸.

۲. سوره توبه: ۶۱.

۳. سوره نحل: آیه ۶۴.



گفتند: جز آنان که یهودی یا نصرانی باشند به بهشت داخل نخواهند شد. این آرزوهای ایشان است، بگو: اگر راست می‌گویید برهانتان را بیاورید.^۱

لازمه تحدی و برهان طلبی قرآن این است که اسلام به مخالفان آزادی داده است، تا آرا و عقاید خود را بی پروا و با استدلال و برهان، بیان کنند. در غیر این صورت، تحدی (برهان طلبی) بی‌معنا خواهد بود.

۴. نقل آرا و نظرات مخالفین: یکی دیگر از شیوه‌های قرآن در مقام برخورد با آرا و اندیشه‌های مخالفان، این است که، کفرآمیزترین سخن آنان را همراه با استدلال‌هایشان نقل می‌نماید و سپس به نقد و ایراد آن می‌پردازد.

(قال الذین کفروا...)، (قال الذین اشركوا...) و تعبیرات مشابه آن، بیانگر این حقیقت است و به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری اگر مادیین و غیر خداپرستان افکاری داشته‌اند و استدلال‌هایی کرده‌اند همان است که در کتب مذهبی آمده و بر زبان ائمه علیهم‌السلام جاری شده و بدین وسیله به ثبت رسیده است.^۲

رویکرد قرآن در این زمینه نشان‌دهنده آن است که نه تنها مخالفان در بیان عقاید و آرای خود آزادند، بلکه مسلمانان نیز به ثبت و ضبط دقیق نظرات آنان، که لازمه برخوردی منطقی و صحیح با اندیشه‌های دیگران است، تشویق شده‌اند. از مجموع نصوص دینی که به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه اسلام، آزادی بیان حتی برای ملحدان و منکران دین، امری مسلم و پذیرفته شده است. همه افراد این حق را دارند که در برابر منطق اسلام به بحث و استدلال بپردازند، نظر خود را بیان کنند و اندیشه‌هایشان را آزادانه ابراز نمایند. در این میان، مسلمانان نیز موظف‌اند با سخنان و عقاید مخالفان، برخوردی صحیح و نیکو داشته باشند.

۱. سوره بقره: آیه ۱۱۱.

۲. رک: مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، صص ۹۶ و ۱۳۲.



علاوه بر این، آنچه این آموزه‌ها را تأیید می‌کند، برخورداری اسلام از منطقی قوی در برابر مخالفان فکری خویش است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در گفتگو با صاحبان عقاید و آرای نادرست نیز نشان‌دهنده پذیرش اصل آزادی بیان در اندیشه اسلامی است.

تحلیل آیه شریفه

(الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ)

ترجمه: «کسانی که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنان صاحبان عقل و فهمند.»

در آیه ۱۸ سوره زمر، خداوند متعال به ستایش گروهی می‌پردازد که سخنان مختلف را می‌شنوند و از میان آن‌ها بهترین را برمی‌گزینند. این آیه نشان‌دهنده اهمیت آزادی بیان در اسلام است، چرا که به مسلمانان اجازه و حتی توصیه می‌کند که با دیدی باز و آگاهانه به نظرات و دیدگاه‌های گوناگون گوش دهند و از میان آن‌ها بهترین را برگزینند. این امر نشان می‌دهد که اسلام به هیچ وجه پذیرش کورکورانه عقاید را توصیه نکرده و انسان‌ها را به تفکر و انتخاب آگاهانه سوق می‌دهد.

آیه مورد نظر، از سوره الزمر (آیه ۱۸)، به نوعی به ویژگی‌های افرادی اشاره دارد که از عقل و درایت خود بهره می‌برند و در برابر سخنان مختلف، به بهترین و درست‌ترین آن‌ها عمل می‌کنند.

تفسیر و ارتباط با آزادی بیان

۱. **استماع و پذیرش آراء مختلف:** این آیه بر اهمیت گوش دادن به نظرات مختلف و سپس انتخاب بهترین و درست‌ترین نظر تأکید دارد. آزادی بیان در این زمینه به این معناست که هر فرد حق دارد که به سخنان دیگران گوش دهد و آن‌ها را ارزیابی کند، حتی اگر آن‌ها مخالف یا متفاوت با عقاید شخصی‌اش باشند. در چنین رویکردی، توجه به تنوع دیدگاه‌ها و نقد سازنده بخشی از فرایند تصمیم‌گیری عقلانی است.

۲. **انتخاب بهترین نظرات:** در این آیه، پس از شنیدن سخنان مختلف، فرد موظف است که بهترین آن‌ها را انتخاب کند. این به معنای ارائه فرصتی برابر به همه افراد برای ابراز



عقاید خود است. در فضایی که آزادی بیان محترم شمرده می‌شود، هر شخص می‌تواند دیدگاه‌های خود را بیان کند، و جامعه وظیفه دارد که با دقت و منطق آن‌ها را بررسی و بهترین و معقول‌ترین نظریه‌ها را بپذیرد.

۳. هدایت الهی و عقلانیت: کسانی که در مسیر انتخاب بهترین سخن قدم می‌گذارند، از نظر قرآن، به هدایت الهی نائل می‌آیند و از صاحبان «الْأَلْبَابِ» (عقل و فهم درست) به شمار می‌روند. این بدین معناست که درک و انتخاب صحیح در یک جامعه آزاد، به عقلانیت و آگاهی نیاز دارد و افراد باید با توجه به اصول منطقی و درست‌ترین استدلال‌ها، نظرات خود را شکل دهند.

آیه بیانگر اهمیت آزادی در شنیدن و ارزیابی آراء مختلف است و از سوی دیگر، تأکید دارد که بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که انسان‌ها با خرد و منطق در برابر عقاید مختلف قرار گیرند. بنابراین، آزادی بیان در اسلام به این معناست که افراد می‌توانند نظرات خود را ابراز کنند و دیگران نیز باید با دقت و درایت این نظرات را بشنوند و بررسی کنند تا به بهترین آن‌ها برسند. این همزیستی میان آزادی بیان و مسئولیت انتخاب درست، زمینه‌ساز رشد فکری و اجتماعی در جامعه است.

معیارهای آزادی بیان در اسلام

۱- حق شنیدن و نقد سخنان مختلف

بر اساس آیه مورد بحث، انسان‌ها باید بتوانند آزادانه به سخنان مختلف گوش دهند، آن‌ها را بررسی کنند و سپس بهترین را برگزینند. این امر مستلزم وجود فضایی باز برای بیان اندیشه‌هاست.

۲- انتخاب احسن القول

آزادی بیان در اسلام به معنای رها بودن از هرگونه محدودیت اخلاقی نیست، بلکه بیان باید در مسیر حقیقت، خیر و اخلاق باشد.



۳- هدایت الهی و عقلانیت

خداوند در این آیه هدایت خود را برای کسانی که از خرد و عقلانیت در انتخاب سخنان بهره می‌برند، تضمین کرده است. بنابراین، آزادی بیان باید با مسئولیت‌پذیری و خردورزی همراه باشد.

آزادی بیان در سیره پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام

شیوه برخورد پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام با افکار مخالف بخوبی بیانگر وجود محیطی آزاد برای بیان اندیشه‌های مخالف در اسلام است. از سیره این بزرگان به روشنی، می‌توان دریافت که آنان نه تنها با گفتار، که در عمل نیز سعی داشته‌اند محیطی سالم برای تضارب آرا در جامعه ایجاد نمایند، همگان، بدون ترس و دلهره آنچه را می‌اندیشند بیان کنند و به نقد و بررسی آرای دیگران پردازند.

بنابراین، شناخت و آگاهی از این سیره سند زنده و گویایی است بر حقانیت ادعای ما در زمینه آزادی بیان در اسلام.

الف) سیره پیامبر ﷺ

با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام درمی‌یابیم که علمای ملت‌های مختلف از یهود، نصاری، دهری، مشرک و... به مدینه، مرکز حاکمیت اسلام، می‌آمدند و در کمال آزادی به اظهار عقاید خویش می‌پرداختند. ساعت‌ها با پیامبر اسلام ﷺ مناظره و گفتگوی عقیدتی داشتند و آن حضرت، با سعه صدر کامل و به دور از تنگ نظری‌ها و حساسیت‌های بی‌مورد، به سخنان آنان گوش می‌داد و با استفاده از باورهای خود آنان، به اقامه دلیل بر حقانیت اسلام و رسالت خویش می‌پرداخت.

به‌عنوان نمونه، به یکی از مناظرات آن حضرت با علمای ادیان دیگر، اشاره می‌کنیم:

علی علیه‌السلام فرمود: روزی علمای یهود، نصاری، دهریه، زرتشتیان و مشرکان عرب نزد پیامبر

جمع شدند.



یهودیان گفتند ای محمد: ما معتقدیم عزیر پسر خداست. آمده‌ایم تا ببینیم تو چه می‌گویی. اگر از ما پیروی نمایی، پس ما بحق از تو پیشی داریم و اگر مخالفت نمایی با تو مخاصمه می‌نماییم. علمای دیگر نیز، پس از بیان عقاید خود، جمله‌هایی همانند یهودیان به زبان آوردند و آن حضرت را به مناظره دعوت کردند. پس از آن، پیامبر ﷺ، با کمال متانت به هر یک از آنان پاسخ گفت؛ بدون اینکه در مقابل عقاید باطل آنان تندی و خشونت نشان دهد و یا اظهار ناراحتی نماید.^۱ این شیوه برخورد، از جانب پیامبر ﷺ به گونه‌ای مستمر در زندگی آن حضرت وجود داشته است، چنانکه در روایتی آمده است:

امام حسن عسکری علیه السلام از پدرش سؤال می‌کند که آیا پیامبر ﷺ با یهود و مشرکان، مناظره و محاجّه داشته است. امام، در پاسخ به استمرار این سیره اشاره می‌کند و می‌فرماید: آری، مناظره‌های بسیار زیادی داشته‌اند. امام، سپس برخی از آیات را که، بیانگر مناظره و محاجه پیامبر با یهود و اهل کتب است، نقل می‌کند و آنگاه مناظره‌ای از پیامبر را با سران مشرکان قریش، به‌عنوان نمونه می‌آورد.^۲

ب) سیره علی علیه السلام

علی علیه السلام همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از رویارویی و استماع سخنان پیروان دیگر ادیان، اظهار ناراحتی نمی‌کردند؛ بلکه با آغوش باز از آنان استقبال می‌کردند و با آنان به بحث و گفتگو می‌پرداختند. علمای ادیان، با کمال آزادی، عقاید، پرسش‌ها و شبهات خود را مطرح می‌کردند و علی علیه السلام نیز، با کمال احترام به سخنان آنان گوش می‌دادند و سپس به آنها پاسخ می‌گفتند. حتی در برخی از موارد، مانع از برخوردهای تند و خشن در برخی از مسلمانان در برابر شبهات و یا پرسش‌های اهل کتب و یا زنادقه می‌شدند و با برخوردهای منطقی عملاً نشان می‌دادند که در برخورد با آرای مخالف، تنها منطق و استدلال کارساز است و بس.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹، صص ۲۵۷-۲۶۷.

۲. همان، ص ۳۶۹.



به عنوان نمونه: روزی علی علیه السلام، در مسجد سخنرانی می کرد و عده ای از مسلمانان و غیرمسلمانان به سخنان وی گوش می دادند. آن حضرت فرمود:

«سلونی قبل ان تققدونی...»

پیش از آنکه از میان شما بروم هر چه می خواهید از من سؤال کنید، تا به شما پاسخ بگویم. مردی از یهودیان با کمال آزادی گفت:

«ایها المدعی لما لایعلم و المتقدم لما لایفهم أنا اسألک فاجب.»

«ای کسی که ادعا می کنی چیزی را که نمی دانی و پیش دآوری می کنی آنچه را که

نمی فهمی. اینک سؤال می کنم، جواب ده.»

اصحاب امام خشمگین شدند و در اندیشه بودند که به آن مرد تعرض کنند. حضرت آنان را از این کار منع کرد و فرمود:

او را رها کنید... با فشار و زور و بدون منطق و دلیل، حجت های الهی را نمی توان ثابت

کرد.^۱

سپس حضرت، رو به آن مرد یهودی کرد و فرمود: سؤالات خود را مطرح کن تا پاسخ

گویم. او نیز تمام شبهات خود را طرح و پاسخ آن را دریافت کرد.

علی علیه السلام با این برخورد منطقی، سیره حسنه ای را استحکام بخشید که می باید سرمشق همه

مسلمانان، به ویژه عالمان و مبلغان دین، در برخورد با افکار مخالف، قرار گیرد.

ج) سایر ائمه علیهم السلام

سیره و برخورد عملی دیگر امامان و رهبران الهی، بیانگر استمرار سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام

علی علیه السلام، در برخورد با عقاید و شبهات اربابان ادیان مختلف می باشد.

در زمان امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام، که تقریباً محیطی آزاد برای گسترش معارف

اسلامی پدید آمده بود و امامان، فرصتی را در راه نشر فرهنگ اسلام و تفسیر قرآن پیدا کرده بودند،

افراد گوناگونی را، از غیرمسلمانان، مشاهده می کنیم که آزادانه در محضر آنان رفت و آمد می کردند و

به بحث و تحقیق، درباره عقیده خود می‌پرداختند و سؤالات و شبهات خود را با کمال آزادی در آن مجالس مطرح می‌کردند و ائمه نیز، با متانت و احترام، به آنان پاسخ می‌گفتند. گاه، این قبیل مناظرات، در مدینه و در مسجد پیامبر، انجام می‌گرفت. امام صادق علیه السلام و شاگردانش، نه تنها به منع آنان نمی‌پرداختند که با کمال خوش رویی به سخنان آنان گوش فرامی‌دادند و به مناظره و مباحثه با آنان می‌پرداختند. اشخاصی همانند ابن ابی العوجاء، ابوشاکر دیصانی و... در مجالس ائمه علیهم السلام حاضر می‌شدند و افکارشان را در زمینه خداشناسی، نبوت و... بیان می‌کردند و درباره قرآن و پیامبر اسلام به مناقشه می‌پرداختند و ائمه علیهم السلام نیز، بدون برانگیختن احساسات و یا طرد آنان، به مناقشات آنان پاسخ می‌دادند.

حدود آزادی بیان

از مطالب گذشته روشن شد که اسلام، آزادی بیان و قلم را برای همگان، در جامعه اسلامی، پذیرفته، ولی حدود و مقرراتی را برای آن مشخص کرده است. این محدودیت‌ها و شرایط، بیش از آنکه مقرراتی دست و پاگیر و سانسوری تحمل ناپذیر باشد، دستور العمل‌هایی است در راستای استفاده بهتر از آزادی، که در صورت عدم رعایت آن، نه تنها آزادی همگان در جامعه تحقق پیدا نمی‌کند که به مقوله ضد ارزش تبدیل خواهد گردید و هرج و مرج فرهنگی ایجاد خواهد شد. مهم‌ترین محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، عبارتند از:

الف) ممنوعیت توهین به مقدسات

یکی از مطالبی که در مقام بیان عقیده و فکر می‌بایست رعایت گردد، خودداری از توهین به مقدسات اسلامی است. اساساً، اهانت به مقدسات دیگران و برخورد غیرمنطقی، نه تنها کمکی، در اثبات مدعا و مطلب نخواهد داشت که موجبات تفرق، انزجار و عکس‌العمل طرف مقابل را نیز برمی‌انگیزاند و چنین عملی در هیچ شرایطی، از کسی پذیرفته نیست.

اسلام مسلمانان را از اهانت به مقدسات دیگران بر حذر داشته و می‌فرماید:

کسانی که دعوت به غیر خداوند می‌کنند (کفار) را دشنام ندهید؛ زیرا آنها نیز همین کار را با خدای شما خواهند کرد.^۱

حضرت علی علیه السلام وقتی در جنگ صفین شنید که یارانش شامیان را دشنام می‌دهند فرمودند: من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر و عذرپذیرتر بود. خوب بود به جای دشنام آنان می‌گفتید: خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق باز گردند.^۲

خود نیز، اجازه توهین به مقدسات اسلامی را تحت هیچ عنوانی، تحمل نمی‌کند و برای توهین کننده به مقدسات اسلامی مجازات‌های شدیدی را در نظر گرفته است.

ب) ممنوعیت هتک افراد

باید در قلم و بیان، عرض و آبروی انسان‌ها حفظ گردد و آزادی بیان را وسیله‌ای برای هتک شخصیت‌های محترم و بدگویی از یکدیگر قرار ندهند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اذل الناس من اهان الناس»^۳؛ «خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار بدارد.»

در روایت دیگر آمده است:

کسی که چیزی را نقل می‌کند و قصدش تحقیر و کوباندن شخصیت افراد و ساقط کردن آنها از چشم مردم باشد خداوند او را از ولایت خود به طرف ولایت شیطان بیرون خواهد ساخت.^۴

۱. سوره انعام: آیه ۱۰۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

۳. مجلسی، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۴۳.

۴. همان، ص ۱۶۸.



آزادی بیان در دین اسلام با محوریت آیه الشریفه: «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ»

بنابراین، آبروی مسلمان دارای احترام است و یکی از وظایف مردم پاسداری از آن است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: هر کس پرده‌ای از روی آبروی برادر خود بردارد پرده‌هایی از آتش او را فرامی‌گیرد.^۱ در روایت دیگر آمده است:

اخلاق مؤمن از بزرگی و عظمت و توانایی‌های خداوند است پس تمسخر اخلاق مؤمن یا رد گفتار او رد خداوند است.^۲ شایان ذکر است که حرمت توهین به اشخاص اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه اهانت کافر ذمی نیز ممنوع و حرام است. از همه این دستورات برمی‌آید که آزادی بیان محدود به حفظ کرامت، آبرو و حیثیت افراد است.

ج) ممنوعیت افشای اسرار و شایعه پراکنی و وجوب دفاع از حیثیت نظام

هر نظامی دارای اسراری است که بر کتمان و مستور ماندن آن از دید نامحرمان و ناهلان می‌کوشد و آن کس که مبادرت به افشا و کشف آن نماید خائن محسوب می‌شود و آزادی بیان از وی سلب می‌گردد.

نظام اسلامی نیز، از این برنامه جدا نبوده و دارای اسراری است که هیچ کس آزاد نیست به نشر و افشای آن بپردازد.

قرآن کریم از پخش اطلاعات امنیتی مسلمانان صریحاً نهی نموده و انتشار اسرار نظام اسلامی و مسلمانان را، گرچه به داعیه دلسوزانه باشد، به‌عنوان خیانت یاد کرده و مردم را از خیانت به خدا و رسول، که در اینجا یکی از مصادیق بارزش همان افشای اسرار اسلام می‌باشد، بر حذر داشته است:

۱. همان، ج ۷۵، ص ۲۵۳.

۲. همان، ج ۷۲، ص ۱۴۲.



ای مؤمنان به خداوند و پیامبرش خیانت نورزید.^۱

هم‌چنین قرآن کریم مردمانی که اخبار و اطلاعات را، بدون تحقیق و بررسی، در جامعه منتشر ساخته و اعتماد عمومی را متزلزل می‌سازند، نکوهش کرده و خواستار ارجاع شایعات و اخبار به صاحب نظران و آگاهان گردیده است:

هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند و اگر آن را به پیامبر و پیشوایان، ارجاع دهند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد.^۲ آبرو و حیثیت نظام اسلامی نیز از مسائلی است که باید از تعرض دشمنان محفوظ بماند. در هتک حیثیت نظام، که در مواردی به هتک حرمت اسلام برمی‌گردد، هیچ کس آزاد نیست.

امام خمینی ره فرموده‌اند:

«تذکر خوب است، اما های و هوی خوب نیست... ما باید در فکر اسلام باشیم... باید فکر بکنید که اگر صحبتی بر خلاف باشد، که یک وقت، خدای نخواسته، به حیثیت جمهوری اسلامی صدمه بزند، ازش جلوگیری کنید. خودتان را بازدارید... در عین حالیکه باید همه جا مناقشه باشد، لکن مناقشات طلبگی و مناقشات علمی...»^۳

د) ممنوعیت توطئه

از محدودیت‌های دیگر آزادی بیان و بلکه سایر آزادیها، حقوق سیاسی و اجتماعی، آن است که هیچ شهروندی در زیر لوای نشر، تبلیغ افکار، مکتب و حزب، اغراض سیاسی فاسد را دنبال نکند و هوای براندازی را در سر نپروراند و گرنه، نظام اسلامی مجاز خواهد بود که از نظر و آزادی بیان این گونه افراد، جلوگیری کند. این مسأله‌ای است که محتاج به استدلال نیست و همه عقلا بر این مطلب هم داستانند و در تمام کشورهای مدعی دموکراسی نیز این قاعده اعمال می‌شود.

۱. سوره انفال: آیه ۲۷.

۲. سوره نساء: آیه ۸۳.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، سخنرانی ۵۹/۲/۲۶.



آزادی بیان در دین اسلام با محوریت آیه الشریفه: «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»

ماجرای تخریب «مسجد ضرار» و سوزاندن آن توسط پیامبر ﷺ، بر این مبتنی بود که گروهی، با اهداف توطئه گرانه، قصد داشتند از مسجد، کمینگاهی برای کفار و نقطه نفوذی برای بیگانگان فراهم آورند.

آنان که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه بین مؤمنان و کمین گاهی برای آنانی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده‌اند. آنان سوگند یاد می‌کنند که نظری جز نیکی نداشته‌ایم؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگو هستند.^۱

نکته مهم در سلب آزادی آنان، همان به کار گرفتن روش منافقانه و تزویری بود که از ناحیه عده‌ای به ظاهر مسلمان، به وقوع پیوسته بود.

به همین دلیل است که امام خمینی رحمته الله علیه، خطاب به آن عده از روشنفکران که به خاطر سلب آزادی انتشار معترض بودند می‌فرمایند:

«آزادی بیان در دیدگاه اسلام همراه با سفارش‌ها و توصیه‌هایی است که از اینها کشف می‌شود هر آزادی بیان که به ضرر مادی یا معنوی انسانی، مورد بهره برداری قرار بگیرد، آزادی نامعقول خواهد بود».^۲

از دیدگاه قرآن مجید نیز نمی‌توان هر غذای فکری را به جامعه تزریق کرد؛ زیرا پیامدهای شومی در دنیا و آخرت به همراه دارد.

(إِنَّ الَّذِينَ يُجْبُونَ أَنْ تَشْبِعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).^۳

یعنی: کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است..

آیه فوق صریحا دلالت دارد بر این که رواج فساد و فحشا به هر شکلی در جامعه ممنوع است.

۱. سوره توبه: آیه ۱۰۷.

۲. جعفری، حقوق جهانی بشر، ص ۴۰۸.

۳. سوره نور: آیه ۱۹.



نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام ﷺ، آزادی بیان در اسلام یک ارزش بنیادین است که بر پایه تفکر، انتخاب آگاهانه و رعایت اخلاق استوار است. آیه (الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) نشان‌دهنده تأکید اسلام بر شنیدن سخنان گوناگون، بررسی آن‌ها و انتخاب بهترین‌هاست. این امر، بیانگر جایگاه ویژه آزادی بیان در اسلام است که نه تنها افراد را از پذیرش کورکورانه دور می‌کند، بلکه آن‌ها را به تعقل و انتخاب آگاهانه دعوت می‌نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۷۲)، *غررالحکم*، [بی جا]: نغمه قرآن.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۸۲)، *شرح نهج البلاغه*، قم: انتشارات آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۷)، «حقوق جهانی بشر، سخنرانی در دانشگاه تربیت مدرس»، *کیهان*، ۱۳۷۷/۰۶۱۴.
۴. خمینی، سید روح الله. (۱۳۵۹)، *صحیفه نور*، سخنرانی ۱۳۵۹/۰۲/۲۶.
۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۹۷)، *قاموس قرآن*، ج ۱۴، [بی جا]: دارالکتب الاسلامیه.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹)، *اصول کافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۷. _____ (۱۳۸۶)، *روضه الکافی*، قم، موعود اسلام.
۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۷۷)، *بحار الانوار*، قم: انتشارات دارالثقلین.
۹. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۶)، *میزان الحکمه*، قم: انتشارات دارالحديث.
۱۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، قم: انتشارات صدرا.

